بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان دورهٔ ابتدایی

سید علی طباطبایی [۱]
دکتر رخساره فضلی [۲]
جواد یارعلی [۳]

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطهٔ شیوه‌های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری در مدارس ابتدایی شهرستان خور و بیابانک انجام شد. روش پژوهش، مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم مدارس ابتدایی شهرستان خور و بیابانک (شهرهای خور و جندق و فرخی) بودند که از این جامعه ۱۳۵ دانش آموز به عنوان نمونه و با روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه سبکهای فرزندپروری بامریند و وضعیت تحصیلی آنان در مدرسه (معدل) به منزلهٔ شاخص پیشرفت تحصیلی و گزارش معلمان آنان به منزلهٔ اختلال رفتاری استفاده شد. داده‌ها به کمک روشهای آماری همبستگی پیرسون و اسپیرمن تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت معنادار و سبکهای فرزندپروری سهل گیر و مستبدانه با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی و معنادار دارد. همچنین نتایج تحلیل داده‌های مربوط به اختلال رفتاری و سبک فرزندپروری نشان داد که شیوهٔ مقتدرانه با کاهش اختلال رفتاری رابطه دارد. یعنی دانش آموزانی که شیوهٔ فرزند پروری والدین آنان مقتدرانه بوده است، کمتر دارای اختلال رفتاری بوده اند. بر اساس یافته‌های پژوهش مبنی بر اینکه شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش‌آموزان رابطه دارد، آموزش والدین درباره شیوه‌های فرزند پروری، می‌تواند به افزایش پیشرفت تحصیلی و کاهش اختلال رفتاری دانش‌آموزان یاری رساند.

کلید واژگان: شیوه‌های فرزند پروری، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان و والدین، اختلال رفتاری

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۳۰

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی دانشگاه علامه طباطبایی tabaali75@yahoo.com
۲. دکترای روانشناسی تربیتی، مدرس مدعو دانشگاه علامه طباطبایی fazlirokh@yahoo.com
۳. مدرس دانشگاه فرهنگیان yarali.javad@gmail.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

مقدمه

خانواده از نهادهای مهم و بنیادی جامعه است که نقش اساسی در زندگی فرد و جامعه دارد. اهمیت خانواده در حکم نهادی اجتماعی، امری غیر قابل تردید است. اگر چه فرزند از جامعه و همسالان تاثیر می گیرد، ولی بیشتر تحت تاثیر خانواده است. تاثیر خانواده در کودک و نقشهای مهم آن در جنبه‌های سازندگی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و غیره بسیار مهم وعظیم است (قائمی، ۱۳۸۰).

تاثیر خانواده در رشد همه جانبه کودک از لحظه تولد آغاز و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می‌شود و در سراسر زندگی باقی می ماند. روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل مؤثر در سلامت و بهداشت روانی آنان است. تحقیقات نشان می دهد که در میان عوامل گوناگونی که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند، تاثیر متقابل کودک و والدین و نحوه برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۰).

هر خانواده شیوه‌ای خاص را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می شوند، متاثر از عوامل گوناگون مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره است (هاردی و همکاران، ۱۹۹۳؛ به نقل از خواجه پور، ۱۳۸۵). بنابراین نگرشها، اعتقادات و رفتارهای والدین که در قالب الگوی خانوادگی یا شیوه‌های فرزندپروری نمود پیدا می کند، عاملی بسیار مهم در تکوین شخصیت و تثبیت خصوصیات اخلاقی فرزندان و هویت محسوب می شود (کارگر شولی و پاکنژاد،۱۳۸۲). هر کدام از این شیوه‌های خاص تربیتی، می تواند در شکل گیری شخصیت و هویت کودک نقش اساسی داشته باشد (گروتوانت و کوپر؛ به نقل از محمدی، ۱۳۸۴) .

بیان مسئله

برخورد والدین با کودکان می‌تواند تغییراتی محسوس در رفتارهای آنان ایجاد کند و سبب ایجاد آرامش در زندگی کودکان شود یا حتی تنش و اختلال در رفتارشان به وجود آورد. شیوه‌های فرزند پروری یا شیوه‌های تربیتی والدین بر بروز ناهنجاریهای رفتاری فرزندان آثار درخور توجهی می گذارد. روش تربیت فرزندان از اهمیت و حساسیت بسیار برخوردار است و از بروز بسیاری از آسیبهای روانی و اجتماعی پیشگیری می‌کند. سبک فرزندپروری می تواند پیش بینی کنندهٔ رشد روانی اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه و سلامت و حتی مشکلات رفتاری فرزندان در آینده باشد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

یکی دیگر از جنبه‌های مهم زندگی فرد که تحت تأثیر رفتار والدین است، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. سطح انتظار و نحوهٔ برخورد والدین، از عوامل تاثیرگذار بر خودپندارهٔ کودک و پیشرفت تحصیلی است.

در این پژوهش برآنیم تا رابطهٔ شیوه‌های فرزندپروری والدین را با پیشرفت درسی و اختلال رفتاری دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی بررسی نماییم.

اهداف پژوهش

بررسی رابطهٔ شیوه‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

بررسی رابطهٔ شیوه‌های فرزندپروری والدین با اختلال رفتاری دانش آموزان

فرضیه های پژوهش

۱. شیوه‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- ✓ الف) شیوهٔ فرزند پروری مقتدرانه والدین با افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزانشان رابطه دارد.
- ✓ ب) شیوهٔ فرزند پروری سهل‌گیرانه والدین با کاهش پیشرفت تحصیلی دانش آموزانشان رابطه دارد.
- ✓ پ) شیوهٔ فرزند پروری مستبدانه والدین با کاهش پیشرفت تحصیلی دانش آموزانشان رابطه دارد.

۲. بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و جنسیت دانش آموزان رابطه وجود دارد .

۳. تفاوت معناداری در شیوه‌های فرزند پروری والدین شهرهای مختلف شهرستان خور و بیابانک وجود ندارد.

۴. شیوه‌های فرزندپروری والدین با اختلال رفتاری دانش آموزان رابطه دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- ✓ ج) شیوهٔ فرزندپروری مقتدرانه والدین با کاهش اختلال رفتاری دانش آموزانشان رابطه دارد.
- ✓ چ) شیوهٔ فرزندپروری سهل گیرانه والدین با افزایش اختلال رفتاری دانش آموزانشان رابطه دارد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

- ✓ ح) شیوهٔ فرزندپروری مستبدانه والدین با افزایش اختلال رفتاری دانش آموزانشان رابطه دارد.

۵. بین پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

تعریف متغیرها

اصطلاحاتی که در این پژوهش به کار رفته است در شکل نظری و عملیاتی به شرح زیر تعریف می شوند:

اختلالات رفتاری[1]

به طور کلی رفتار غیر عادی (نامطلوب) به رفتار یا رفتارهایی گفته می شود که پس از ارزیابی دقیق عملی از نظر شرایط بروز آن از رفتار اکثریت گروه سنی مشابه در یک جامعه تفاوت داشته باشد. کودکی دارای اختلال رفتاری یا رفتار نامطلوب است که رفتارهایش نسبت به همسالانش غیر عادی است. به عبارت دیگر رفتارها و احساسات او نسبت به همسالان و بزرگسالان نامناسب و ناپخته است (گنجی، ۱۳۷۶). شایان ذکر است که ملاک سنجش اختلال رفتاری در این پژوهش گزارش معلمان بوده است.

پیشرفت تحصیلی[2]

پیشرفت تحصیلی یعنی اینکه فراگیران تا چه حد در رسیدن به اهداف دوره آموزش موفق بوده‌اند (سیف،۱۳۸۲). اتکینسون و همکاران (۱۹۹۸) پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشگاهی می‌دانند که با آزمونهای استاندارد شده اندازه‌گیری می شود (سیف،۱۳۸۴). ملاک پیشرفت تحصیلی در این پژوهش معدل دانش آموزان بوده است.

شیوه‌های فرزند پروری[3]

فرزندپروری فعالیتی پیچیده شامل روشها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع اساس شیوهٔ فرزندپروری مبین تلاشهای والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند، ۱۹۹۱؛ به نقل از شکوهی یکتا، ۱۳۸۵). ملاک شیوهٔ فرزندپروری در این پژوهش نمرهٔ پرسشنامه بامریند[4] است.

1. Behavioral disorders
2. Academic achievement
3. Parenting styles
4. Baumrind Parenting Styles Questionnaire

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

دارلینگ و اشتاین برگ[1] (۱۹۹۳) سبکهای فرزندپروری را به مجموعه‌ای از نگرشهای والدین نسبت به فرزندان و در رابطه با تربیت فرزندان تعریف کرده اند که سبب ایجاد جوی عاطفی میان فرزندان و والدین می شود.

شیوه‌های فرزند پروری شامل دو معیار اصلی هستند: محبت و کنترل والدین. کنترل میزان سفت و سخت بودن قواعد و توقع والدین از فرزندانشان است. محبت نیز شامل صمیمیت، علاقه، مهربانی و عاطفه والدین است.

بر اساس این دو شاخص مهم، شیوه‌های فرزند پروری را به سه گروه اصلی [2] تقسیم می کنند: شیوه مقتدرانه، شیوه سهل‌گیرانه و شیوه استبدادی. براساس مطالعات بامریند شیوه‌های فرزندپروری به سه سبک فرزندپروری اقتداری، استبدادی و آسان گیرانه تقسیم می شوند (بامریند، ۱۹۹۱). شریعتمداری (۱۳۶۷) نیز سه روش دمکراسی، آزادی و دیکتاتوری را تقریباً با همین محتوا به عنوان شیوه‌های فرزندپروری موجود در خانواده‌ها معرفی کرده است.

والدین مقتدر[3]

والدینی که این الگوی فرزندپروری را دارند به فرزندان خود استقلال و آزادی فکری می‌دهند و آنها را تشویق می کنند و نوعی محدویت و کنترل را نیز بر آنها اعمال می دارند. در خانواده‌هایی با والدین مقتدر اظهار نظرها و ارتباط اخلاقی وسیع در تعامل کودک و والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت نسبت به کودک در سطح بالاست (ماسن و همکاران، ۱۳۸۹). والدین قاطع و اطمینان بخش علاوه بر عهده دار شدن نقش پدر و مادری، مسئولیت تربیت فرزندان را نیز تقبل می کنند و همواره سعی می کنند که با کسب آگاهیهای تربیتی بیشتر شیوه‌های گوناگون این کار را انجام دهند (لامبورن[4] و همکاران، ۱۹۹۷).

والدین سهل گیر[5]

این والدین به صورتی افراطی نسبت به کودکان خود پذیرش و پاسخ‌دهی دارند، اما توقعی از کودکان خود ندارند (اشتاین برگ، ۱۳۸۷) و نسبت به آموزش رفتارهای اجتماعی فرزند خود سهل انگار هستند. در این خانواده‌ها نظم و ترتیب و قانون کمی حکمفرماست و پایبندی اعضا به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی بسیار کم است و هر کس هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد.

1. Darling & Steinberg

۲. در برخی از منابع ۴ شیوه بیان شده است.

3 .Authoritative
4. Lamborn
5. Permissive

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

بعضی از این والدین اجازه می دهند کودک هر کاری که می‌خواهد بکند، شاید به این دلیل که کاری به کودک ندارند یا اینکه اهمیتی نمی دهند (سدورو،[1] ۱۹۹۰). والدین سهل‌گیر در ابعاد کنترل و خواسته‌های معتدل در پایین‌ترین سطح هستند. همچنین این خانواده‌ها نسبتاً آشفته‌اند، فعالیت خانواده نامنظم و اعمال مقرارت، اهمال کارانه است. این والدین همچنین در زمینهٔ انضباط کودک از نگرشهای متعارض برخوردارند. فقدان خواسته‌های معقول همراه با خودداری از ارائه دلیل و درگیری با کودک، همواره از ویژگیهای این شیوه به شمار می رود. این والدین به‌ندرت به فرزندان خود اطلاعات صحیح با توضیحات ارائه می دهند.

والدین مستبد[2]

شیوه فرزندپروری استبدادی با ویژگیهای توقع بالا و پذیرش پایین مشخص شده است. این والدین قوانین خود را به صورت انعطاف ناپذیری تحمیل می کنند. از نظر تربیتی خشن و تنبیه-گرند. با رفتار بد مقابله می‌کنند و کودک بدرفتار را تنبیه می کنند. ابراز محبت و صمیمیت آنها نسبت به کودکان در سطح پایین است. آنها امیال کودکان را در نظر نمی گیرند و عقایدش را جویا نمی شوند. کودکان دارای چنین والدینی ثبات روحی و فکری ندارد و خویشتن را بدبخت می-پندارند . آنها زود ناراحت می شوند و در برابر فشارهای روانی آسیب پذیرند (هیبتی، ۱۳۸۱).

جدول شماره ۱. کنترل و محبت والدین در سبک‌های مختلف فرزندپروری

سبک	سطح توقع (کنترل)	سطح پاسخ‌دهی (محبت)
مستبدانه	زیاد	کم
سهل‌گیرانه	کم	زیاد
مقتدرانه	زیاد	زیاد

روش

در این پژوهش رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی با روش تحقیق مطالعات همبستگی بررسی شده است.

جامعه و نمونه

جامعه آماری، شامل دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم ابتدایی مدارس شهری شهرستان خور و بیابانک استان اصفهان است که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بوده‌اند می‌باشد. تعداد کل آنها ۴۵۰ نفر است. با توجه به هدف پژوهش، نمونه‌ای به حجم ۱۳۵ آزمودنی انتخاب

1. Sedorow
2. Authoritarian

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

شدند. روش انتخاب نمونه، روش خوشه‌ای چند مرحله ای است. ابتدا تمام مدارس که شامل ۱۱ آموزشگاه است انتخاب شده اند، سپس از هر مدرسه یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب و در مجموع ۱۳۵ دانش آموز از ۱۱ مدرسه (۶ مدرسه دخترانه و ۵ مدرسهٔ پسرانه) انتخاب شده‌اند.

ابزارها

ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه شیوهٔ فرزندپروری بامریند و مشاهدهٔ معلمان برای ملاک اختلال رفتاری و همچنین معدل سالانه دانش آموزان به عنوان ملاک پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است.

فرم اولیه پرسشنامه ۳۰ سؤالی شیوهٔ فرزندپروری را بامریند (۱۹۷۳) طراحی کرده و ساخته است. این پرسشنامه را حسین پور (۱۳۸۱) ترجمه کرده است و پس از تحلیل عاملی، پرسشهای شماره ۱۳،۱۴،۲۸و ۲۶ حذف شدند. این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. جمله های شماره ۱،۶،۱۰،۱۳،۱۴،۱۷،۱۹،۲۱،۲۴،۲۸به شیوهٔ سهل گیرانه، جمله-های شماره ۲۶،۲۵،۱،۱۶،۱۲،۹،۷،۳،۲،۹ به شیوهٔ استبدادی و جمله های ۳۰،۲۷،۲۳،۲۲،۲۰،۱۵،۱۱ به شیوهٔ مقتدرانه مربوط می‌شوند. در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تاحدودی موافقم، تاحدوی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از صفر تا ۴ نمره‌گذاری شده است که با جمع نمره‌های سؤالهای مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سؤالات، نمره به دست می آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تایید شده است. در انستیتیو روان‌پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه کرده و اصلاحات لازم را در آن صورت داده است، سپس از ده صاحب-نظر در زمینه روانشناسی و روانپزشکی (۲ نفر دکترای روانشناسی، یک نفر روانپزشک،۲ نفر کارشناسی ارشد روانشناسی،۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و۳ نفر کارشناس روانشناسی) خواسته شده است تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص و نظر اصلاحی خود را نیز بیان کنند و جمله پیشنهادی خود را بیفزایند. نتایج به دست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است (زنگنه، ۱۳۸۵). اسفندیاری (۱۳۷۴)، بورای (۱۹۹۱)، (زنگنه ، ۱۳۸۵) و دیانا بامریند (۱۹۷۳) در پژوهشهای خود از این پرسشنامه استفاده کرده اند (زنگنه ، ۱۳۸۵).

بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش "باز آزمایی" استفاده کرده و نتایج زیر را به دست آورده است: ۰/۸۱برای شیوه سهل‌گیرانه ،۰/۸۶برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸برای شیوه اقتداری. او

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

همچنین "ثبات درونی" را با فرمول آلفای کرونباخ محاسبه کرده که ۰/۷۵برای شیوه سهل گیری، ۰/۸۵برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه مقتدرانه را به دست آورده است (مهرافروز،۱۳۷۸).

داده‌های این پژوهش با نرم افزارSPSS تحلیل شده‌اند. پس از ورود داده ها، سبک غالب فرزندپروری والدین مشخص شده است. سپس داده های به‌دست آمده برای تحلیل بیشتر و گرفتن ضریب همبستگی به نرم افزار SPSS وارد شده‌اند. به منظور توصیف داده ها از روش آمار توصیفی (مانند فراوانی و جمع داده‌ها) و به منظور آزمون فرضهای پژوهش از ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون و کندل استفاده شده است.

یافته ها

فرضیه اول: شیوه های فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی فرزندانشان رابطه دارد.

- ✓ الف) شیوۀ فرزند پروری مقتدرانه والدین با افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزانشان رابطه دارد.
- ✓ ب) شیوۀ فرزند پروری سهل‌گیرانه والدین با کاهش پیشرفت تحصیلی دانش آموزانشان رابطه دارد.
- ✓ پ) شیوۀ فرزند پروری مستبدانه والدین با کاهش پیشرفت تحصیلی دانش آموزانشان رابطه دارد.

جدول شماره ۲ . تفاوت میزان پیشرفت تحصیلی در سبکهای مختلف فرزندپروری

سبک فرزند پروری	پیشرفت تحصیلی		
	پایین	متوسط	بالا
سهل گیرانه	٪۵۵	٪۳۴	٪۱۱
مستبدانه	٪۲۰	٪۴۰	٪۴۰
مقتدرانه	٪۴	٪۱۶	٪۸۰

نتایج حاصل از بررسی این فرضیه بیانگر آن است که سبک فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی در ارتباط است. با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی این پرسش، در فرزندان والدینی که سبک فرزندپروری آنان مستبدانه بوده است،۴۰ درصد پیشرفت تحصیلی وجود دارد و در فرزندان والدینی که سبک فرزند پروری آنان سهل گیرانه بوده است، ۱۱ درصد پیشرفت تحصیلی وجود دارد و در فرزندان والدینی که سبک فرزند پروری آنان مقتدرانه بوده است، ۸۰ درصد پیشرفت تحصیلی وجود دارد (جدول شماره ۲).

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در زمینهٔ شیوه‌های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی نشان می دهد که شیوهٔ فرزندپروری مقتدرانه والدین با پیشرفت تحصیلی فرزندانشان همبستگی مثبت و معنادار دارد (p = .000; r = .47). بنابراین فرض صفر رد شده و فرضیه الف تحقیق تایید می شود. همچنین مشخص شد که شیوهٔ فرزند پروری مستبدانه والدین با پیشرفت تحصیلی فرزندانشان همبستگی منفی و معنا دار دارد (p = .009 ; r = -.22). بنابراین فرض صفر رد و فرضیه پ تحقیق تایید می شود.

در نهایت آزمون پیرسون نشان داد که شیوهٔ فرزند پروری سهل‌گیرانه والدین با پیشرفت تحصیلی فرزندانشان همبستگی منفی و معنادار دارد (p = .000; r = -.36). بنابراین فرض صفر رد و فرضیه ب تحقیق تایید می‌شود.

جدول شماره ۳ . ضریب همبستگی پیرسون بین پیشرفت تحصیلی و سبکهای فرزند پروری

پیشرفت تحصیلی	سبک سهل گیرانه	سبک مستبدانه	سبک مقتدرانه
ضریب همبستگی پیرسون	-.۳۶۵**	-.۲۲۶**	.۴۷۲**
سطح معناداری	.۰۰۰	.۰۰۹	.۰۰۰
کل نمونه	۱۳۵	۱۳۵	۱۳۵

فرضیه دوم: بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و جنسیت دانش آموزان تفاوت وجود دارد.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه بیانگر این است که سبک فرزند پروری والدین نسبت به دختران و پسران تفاوت چندانی ندارد. بیشتر والدین از سبک فرزند پروری مقتدرانه در هر دو جنس استفاده می کنند. در حالی که درصد والدین دختران با سبک مستبدانه بیشتر از پسران است و درصد سبک سهل گیرانه در پسران بیشتر از دختران است. به عبارت دیگر می توان گفت میزان سخت گیری و توقع والدین دانش آموزان دختر بیشتر از پسران است (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴ . تفاوت سبکهای فرزندپروری مختلف نسبت به جنسیت دانش آموزان

سبک فرزند پروری	جنسیت	
	پسر	دختر
۷٪	۶٪	سهل گیرانه
٪۹	٪۱۴	مستبدانه
۸۴	۸۰٪	مقتدرانه

فرضیه سوم: تفاوت معناداری در شیوه‌های فرزند پروری والدین شهرهای مختلف شهرستان خور وجود دارد.

نتایج حاصل از بررسی این فرضیه بیانگر این است که سبک فرزندپروری والدین در هر سه شهر بیشتر مقتدرانه است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

جدول شماره ۵. تفاوت میزان سبکهای فرزندپروری مختلف در شهرهای شهرستان خور

شهر	سبک فرزند پروری		
	سهل گیرانه	مستبد	مقتدر
فرخی	٪۰	٪۱۸	٪۸۲
جندق	٪۱۵	٪۱۵	٪۷۰
خور	٪۲	٪۵	٪۹۳

فرضیه چهارم: شیوۀ فرزند پروری والدین با اختلال رفتاری فرزندانشان رابطه دارد.

- ✓ ج) شیوۀ فرزند پروری مقتدرانه والدین با کاهش اختلال رفتاری دانش آموزانشان رابطه دارد.
- ✓ چ) شیوۀ فرزند پروری سهل‌گیرانه والدین با افزایش اختلال رفتاری دانش آموزانشان رابطه دارد.
- ✓ ح) شیوۀ فرزند پروری مستبدانه والدین با افزایش اختلال رفتاری دانش آموزانشان رابطه دارد.

جدول شماره ۶ . میزان اختلال رفتاری دانش آموزان در سبکهای فرزند پروری مختلف

		اختلال رفتاری	
		ندارد	دارد
سبک فرزند پروری	سهل گیرانه	٪۶۶	٪۳۴
	مستبدانه	٪۴۷	٪۵۳
	مقتدرانه	٪۹۴	٪۶

با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی این فرضیه، در فرزندان والدینی که سبک فرزند پروری آنان مستبدانه بوده است، ۵۳ درصد اختلال رفتاری وجود دارد و در فرزندان والدینی که سبک فرزندپروری آنان سهل گیرانه بوده است، ۳۴ درصد اختلال رفتاری وجود دارد و در فرزندان والدینی که سبک فرزند پروری آنان مقتدرانه بوده است، ۶ درصد اختلال رفتاری وجود دارد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون نیز این مورد را تایید می کند.

در ارزیابی فرضیه‌های فرعی مورد بررسی در این فرضیه پژوهش، اطلاعات موجود در جدول شماره ۷ بیانگر آن است که شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با اختلال رفتاری موجود در فرزندانشان همبستگی منفی و معنادار دارد ($r = -.30;\ p = .000$). بنابراین فرض صفر در زمینۀ فرضیۀ ج رد شده و فرضیۀ ج پژوهش تایید می شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

نتیجهٔ آزمون همبستگی پیرسون در فرضیه فرعی چ نشان می دهد که شیوه فرزندپروری سهل گیرانه والدین با اختلال رفتاری موجود در فرزندانشان، همبستگی مستقیم دارد، اما این همبستگی معنادار نیست (r=.11 ; p= .183).

نتیجهٔ آزمون همبستگی پیرسون در فرضیه فرعی ح، نشان می‌دهد که شیوه فرزندپروری مستبدانه والدین با اختلال رفتاری موجود در فرزندانشان، همبستگی مستقیم و معنادار دارد (r =.27 ; p= .001). بنابراین فرضیهٔ صفر رد و فرضیه تحقیق تایید می شود.

جدول شماره ۷. ضریب همبستگی پیرسون بین اختلال رفتاری و سبکهای فرزند پروری

اختلال رفتاری	سبک سهل گیرانه	سبک مستبدانه	سبک مقتدرانه
ضریب همبستگی پیرسون	.۱۱۵	.۲۷۶**	-.۳۰۵**
سطح معناداری	.۱۸۳	.۰۰۱	.۰۰۰
کل نمونه	۱۳۵	۱۳۵	۱۳۵

فرضیه پنجم: بین اختلال رفتاری دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده حاصل از بررسی این فرضیه می توان گفت که افزایش پیشرفت تحصیلی با کاهش اختلال رفتاری رابطه دارد. علاوه بر این از میان دانش آموزانی که اختلال رفتاری نداشته اند ۷۶٪ درصد دارای پیشرفت تحصیلی بالا بوده اند، اما از میان دانش آموزان دارای اختلال ۴۱٪ درصد دارای پیشرفت تحصیلی بالا بوده اند.

در ارزیابی این فرضیه در جدول شماره ۸، ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که میان پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری همبستگی منفی و معنادار وجود دارد (r = -.22 ; p = .008) . بنابراین در این قسمت نیز فرض صفر رد و فرضیه تحقیق تایید می شود.

جدول شماره ۸ . ضریب همبستگی پیرسون بین اختلال رفتاری و پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی	اختلال رفتاری
ضریب همبستگی اسپیرمن	-.۲۲۹**
سطح معناداری	.۰۰۸
مجموع نمونه	۱۳۵

جدول شماره ۹. تفاوت میزان پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دارای اختلال رفتاری

اختلال رفتاری	پیشرفت تحصیلی		
	بالا	متوسط	پایین
٪۷۶	٪۱۵	٪۹	ندارد
٪۴۱	٪۴۷	٪۱۲	دارد

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

بحث و نتیجه گیری

هدف از اجرای این پژوهش، بررسی رابطه میان سبکهای فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری در پایه‌های چهارم و پنجم مدارس ابتدایی شهری شهرستان خور و بیابانک بوده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که میان شیوه‌های فرزندپروری سهل-گیرانه و استبدادی با اختلال رفتاری دانش‌آموزان رابطهٔ مستقیم وجود دارد و میان شیوهٔ فرزندپروری مقتدرانه با اختلال رفتاری دانش آموزان رابطهٔ منفی و معنادار وجود دارد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر با پژوهش اسفندیاری (۱۳۷۴) که نشان داد مادران کودکان بهنجار نسبت به مادران کودکان دارای اختلال رفتاری بیشتر از شیوهٔ مقتدرانه استفاده می‌کنند، همخوانی دارد. همچنین نتایج حاصل از این قسمت با تحقیقات اسدی (۱۳۸۶) که نشان داد والدین دارای فرزندان دارای اختلال رفتاری شیوهٔ مستبدانه تری به کار می برند، همخوانی دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات لوی (۱۹۴۳) که نشان می‌دهد به کارگیری دو شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه توسط مادران منجر به بروز رفتارهای پرخاشگرانه، اختلالهای اضطرابی، افسردگی و گرایشهای ضد اجتماعی یا بزهکاری در کودکان می شود و همچنین با نتایج مطالعات لامبورن و همکاران (۱۹۹۰) و لیل آبادی (۱۳۷۵) که نقش الگوهای تربیتی مستبدانه و سهل گیرانه را در ایجاد اختلالات رفتاری مورد تأیید قرار می‌دهند (به نقل از فرضی گلفزانی،۱۳۸۲) همخوانی دارد. همچنین این یافته با یافتهٔ لامبورن و همکاران (۱۹۹۷)، ریچتر و همکاران[1] (۱۹۹۱) و ری و پلاپ[2] (۱۹۹۰) که تاثیر شیوهٔ فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه را بر میزان اختلالات رفتاری نشان داده اند، همخوانی دارد.

نتایج به دست آمده نشان می دهد که میان شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطهٔ معکوس وجود دارد و میان شیوهٔ فرزندپروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطهٔ مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج بامریند (۱۹۹۱) که به این مسئله اشاره می کند که کودکان والدین مقتدر هم در مهارتهای شناختی و هم در مهارتهای اجتماعی در سطح نسبتاً بالایی قرار می گیرند، همخوانی دارد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر با تحقیقات کوریدو، وارنر و ایبرگ (۲۰۰۲)، اکوئلینو و ساپل (۲۰۰۱)، گالامبوس و همکاران (۲۰۰۳) و معتمدی (۱۳۸۷) که نشان دادند سبکهای فرزندپروری مقتدر با سازماندهی، پیشرفت تحصیلی و جهت گیری عقلانی رابطه مثبت دارد، همخوانی دارد. همچنین یافته‌ها با تحقیقات دورنبوش و همکاران (۱۹۸۷) که پی بردند شیوه‌های والدینی

1. Richter et al.
2. Rey & Plopp

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

"سلطه‌گرانه" و آزادمنشانه" با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی داشته درحالی که شیوه والدینی "مقتدرانه" با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت داشته است، همخوانی دارد (به نقل از زنگنه، ۱۳۸۵).

همچنین مؤید یافته های پژوهش کردی و بهارالدین[1] (۲۰۱۰) مبنی بر تأثیر قابل توجه شیوه-های فرزندپروری والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان است.

در مجموع با یافته های پژوهش پارک[2] و همکاران (۲۰۱۰) مبنی بر اینکه شیوهٔ فرزند پروری مقتدرانه سبب پرورش روحیه استقلال طلبی، موفقیت گرا و خودکنترلی می شود، نیز همخوانی دارد.

باتوجه به یافته‌های ارائه شده، شیوه تربیتی والدین مقتدر که در مورد فرزندشان ثابت قدم هستند، الگوهایی از رفتارهای ابراز وجود و اعتماد را به آنها ارائه می دهند؛ آنها به گفته‌های کودکان خود گوش می‌سپارند و گفت‌وگو با آنها راترویج می دهند، همچنین روش انضباطی آنان توام با گرمی، منطق و انعطاف پذیری است که به کاهش اختلال رفتاری و افزایش پیشرفت تحصیلی یاری می رساند. والدین مقتدر در کنشهای خود با کودکان دلسوز و صمیمی هستند. والدین مقتدر توقعاتی دارند که با توجه به تواناییهای درحال رشد فرزندشان، معقول است. علاوه بر این، این گونه والدین از درجات بالایی از"گرم بودن" و "پاسخگوبودن" برخوردارند (بورای، نقل از رضایی، ۱۳۷۵). در مقابل والدین مستبد پرتوقع هستند و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند، پیامدهای کلامی والدین یک جانبه و فاقد همنوایی عاطفی است و غالباً هنگام اعمال رهنمودها، دلیلی ارائه نمی‌کنند. نمایش قدرت والدین مستبد اولین عاملی است که این شیوه را از دو شیوهٔ دیگر متمایز می‌سازد. کمترین مهرورزی، بی تفاوتی در برابر رفتار مثبت کودک و عدم استفاده از تقویت مثبت، همدلی اندک نسبت به کودک، به‌کارگیری شیوهٔ ایجاد ترس برای کنترل و تنبیه و اعمال زور برای مهار خواستهٔ کودک، از ویژگیهای این شیوهٔ تربیتی است .معمولاً میان والدین مستبد و فرزندانشان تفاهم وجود ندارد. والدین مستبد از نظر "گرم بودن" و پذیرش در سطوح پایینی هستند (بورای، نقل از رضایی،۱۳۷۵).

والدین سهل گیر در ابعاد کنترل و خواسته ها، در پایین‌ترین سطح هستند. براساس گزارشهای موجود، هردو والد کنترل اندکی بر کودکانشان دارند، آنها از روشهای احساس گناه برای کنترل فرزندانشان استفاده می کنند و در بیشتر موارد در مواجهه با بهانه جویی و شکایت کودک، تسلیم می شوند. والد سهل‌گیر در تلاش است تا به شیوه‌ای موافق و همسو با تکانه‌ها، امیال و اعمال

1. Kordi & Baharudin
2. Park

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

کودک رفتار کند. با وجود این، آنها نسبت به فرزندان خود گرم و پاسخگو هستند (گلاس گو و همکاران، نقل از مهر افروز، ۱۳۷۸). بر اساس یافته‌های این پژوهش شیوهٔ رفتار این والدین با افزایش اختلال رفتاری و کاهش پیشرفت تحصیلی رابطه دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می شود آگاهی والدین در زمینهٔ شیوه‌های فرزندپروری و تاثیر آن بر اختلال رفتاری و پیشرفت تحصیلی فرزندان افزایش یابد. بدین منظور لازم است از همهٔ ظرفیتهای موجود برای آموزش شیوه‌های درست برخورد با فرزندان و نتایج آن؛ بهره گیری و زمینهٔ مناسب فراهم شود تا والدین انتظارات و توقعات معقول و منطقی و در حد توان فرزندان از آنها داشته باشند و عزت نفس و خود–پنداره تحصیلی مثبت را در آنان تقویت کنند.

پیشنهاد می‌شود از طریق رسانه‌های عمومی، برگزاری نشستهای علمی، تولید منابع علمی به زبان ساده، ارائه خدمات تربیتی مناسب در مراکز مشاوره و... به والدین آموزش داده شود تا آگاه شوند چنانچه با کودکان خود مقتدرانه رفتار می کنند و در عین حال کودکانشان را کنترل می‌کنند، محبت لازم را نیز نثارشان کنند، زیرا رفتار آنها بر سلامت روان و پیشرفت کودکانشان تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده نقش متغیرها در دوره‌های مختلف تحصیلی بررسی شود. به منظور حصول نتایج دقیق‌تر از آزمونهای استاندارد برای میزان پیشرفت تحصیلی استفاده شود و پیشرفت درسی هم به منزلهٔ بخشی مهم از پیشرفت تحصیلی مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که متغیرهای بسیاری ممکن است در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نقش داشته باشند، پیشنهاد می شود در مطالعات آتی تأثیر هر کدام از متغیرها با پردازشهای دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

منابع

اسدی، مسعود. (۱۳۸۶). بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران با اختلالات رفتاری دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی. *مجله همایش بهداشت روان*، دانشگاه آزاد واحد سنندج، دوره اول، شماره ۱، ۱۸-۳۵.

اشتاینبرگ، لارنس. (۱۳۸۷). **ده اصل ثابت فرزندپروری (ترجمه مهرنوش عابر) .** تهران: انتشارات رشد.

خواجه پور، مهناز. (۱۳۸۵). *مقایسه شیوه‌های فرزندپروری با سبکهای هویت و بررسی رابطه آنها در دانش آموزان دختر و پسر پیش دانشگاهی نواحی چهار گانه آموزش و پرورش شهر شیراز*. پایان نامه دانشگاه آزاد، واحد مرودشت.

رضایی، محمد (۱۳۷۵). *رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران (اقتدار منطقی، آزادگذاری و استبدادی) با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم مدارس راهنمایی اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران*. پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه تربیت معلم.

زنگنه، حسن. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد بیرجند.

سیف، علی اکبر. **(۱۳۸۲)**. *روانشناسی پرورشی، روانشناسی یادگیری و آموزشی*. تهران: آگاه.

_____ **(۱۳۸۴) .** *اندازه گیری سنجش و ارزشیابی آموزشی* (چاپ هفتم، ویرایش سوم). تهران: دوران.

شریعتمداری، علی. (۱۳۶۷). *روانشناسی تربیتی*. تهران: انتشارات امیر کبیر.

شکوهی یکتا، محسن. **(۱۳۸۵)** مطالعه تطبیقی سبک های فرزند پروری. *مجله تربیت اسلامی*، دوره دوم، شماره ۳، ۱۱۵-۱۴۰.

فرضی گلفزانی، مرجان.(۱۳۸۲). مقایسه شیوه های فرزند پروری مادران کودکان دارای اختلال. *مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، سال سوم، پاییز ۱۳۸۲، **۲۴۵-۲۶۴**.

قائمی، علی. (۱۳۸۰) . خانواده و مسائل مدرسه‌ای کودکان. تهران: نشر آگاه.

کارگرشولی، هدایت و پاکنژاد، فاطمه. (۱۳۸۲). خانواده نخستین عامل تأثیرگذار بر هویت دانش آموزان. *ویژه نامه مجله دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی*، سال چهارم، شماره ۱ (پیاپی۷)، ۱۶۶-۱۸۲.

گنجی، حمزه. (۱۳۷۶). روانشناسی عمومی. تهران : انتشارات دانشگاه پیام نور.

ماسن، پاول هنری؛ کیگان، جروم؛ هوستون، آلتاکارول و کانجر، جان جین وی. (۱۳۸۹). *رشد و شخصیت کودک* (ترجمه مهشید یاسایی). تهران : مرکز نشر.

محمدی، زهره. (۱۳۸۴). *بررسی قدرت پیش بینی کنندگی ابعاد هویتی فرزندان توسط ابعاد فرزندپروری والدین در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

مهرافروز، حجت اله. (۱۳۷۸). *بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.

نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۸۰). *سه گفتار درباره اهمیت و تربیت فرزندان*. تهران: انتشارات کلینی.

هیبتی، خلیل. (۱۳۸۱). *بررسی شیوه های فرزند پروری والدین و رابطه آن با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان های رشد زرقان*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, *11*(1), 56-95.

Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, *113*, 487-496.

Kordi, A., & Baharudin, R. (2010). Parenting attitude and style and its effect on children's school achievements. *International Journal of Psychological Studies*, *2*(2), 217-235.

Lamborn, S. D. et al. (1997). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent or neglectful families. *Psychological Reports*, 731-748.

Park, Y. S., Kim, B. S. K., Chiang, J., & Ju, C. M. (2010). Acculturation, enculturation, parental adherence to Asian cultural values, parenting styles, and family conflict among Asian American college students. *Asian American Journal of Psychology*, *1*(1), 67–79.

Rey, J. M., & Plopp, J. M. (1990). Quality of perceived parenting in oppositional & conduct disorder adolescents. *Journal of American Academy of Child & Adolescents Psychiatry*, *29*, 382-385.

Richter, J., Richter, G., & Eisemann, M. (1991). Perceived parental rearing, depression and coping behavior. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, *26*, 75-77.

Sedorow, L. (1990). *Psychology*. WN. C. Brown Pub.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]